

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ کوچک زبان پهلوی

دیوید نیل مکنزی

مترجم

دکتر مهشید میرفخرایی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

فرهنگ کوچک زبان پهلوی

مؤلف: دیوید نیل مکنزی

مترجم: دکتر مهشید میرفخرایی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

مسئول فنی: ربابه ابوطالبی

چاپ اول: ۱۳۷۳، چاپ هفتم: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: گام اول

قیمت: ۱۲۰,۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: مکنزی، دی.ان.، ۱۹۲۶ - ۲۰۰۱م.

MacKenzie, D.N

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ کوچک زبان پهلوی / تألیف دیوید نیل مکنزی؛ ترجمه مهشید میرفخرایی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۴۲۸ ص.

شابک: 964-426-076-7 (چاپ چهارم)؛ چاپ هفتم: 4-4-7689-622-978

یادداشت: عنوان اصلی: A concise Pahlavi dictionary, 1971.

یادداشت: چاپ چهارم: ۱۳۸۷ (فیبا).

یادداشت: چاپ چهارم.

یادداشت: چاپ هفتم: ۱۴۰۰ (فیبا)

موضوع: زبان پهلوی -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی

موضوع: فارسی -- واژه‌نامه‌ها -- پهلوی

شناسه افزوده: میرفخرائی، مهشید، ۱۳۲۷-، مترجم

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۴۷۴/۱/۲۰۰۱ PIR

رده بندی دیویی: ۴۰۷۳/۰۴۰

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۰۸۳-۲۷۸م

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۹	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۲۳	کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌ها
۲۵	بخش اول
۲۸	پهلوی - فارسی
۱۷۳	بخش دوم
۱۷۵	فارسی - پهلوی
۳۲۷	پیوست‌ها
۳۳۳	بخش سوم
۳۳۷	واژه‌نمای پهلوی

یادداشت مترجم

زبان فارسی میانه و متن‌های بازمانده از آن نه تنها از نظر مطالب مورد بحث و واژگان گنجینه‌ای گسترده و پهنه‌ای ناشناخته است و به بررسی، ترجمه و تجزیه و تحلیل نیاز دارد، بلکه از جهت شیوه آوانگاری نیز مقوله‌ای درخور توجه و بحث است. وجود املاهای تاریخی فراوان با نارسایی‌های خطی و برخی از غلط‌خوانی‌ها که در متن‌های موجود راه یافته است، کار پژوهشگر این زبان را از چند جهت دشوار می‌سازد. همراه این دشواری‌ها، نداشتن برداشتی روشن از صورت ملفوظ واژه‌ها، امکان هرگونه اظهار نظر دقیق و صریح را درباره ضبط واژه‌ها با تأمل و تردید توأم می‌سازد. فرهنگ‌هایی که در سده اخیر نوشته شده‌اند نیز غالباً نقص‌هایی دارند که بر آشنایان به این خط و زبان پوشیده نیست. کتابی که اینک در پیش رو است، ترجمه‌ای از فرهنگ کوچک پهلوی* است که در بردارنده حدود چهارهزار واژه رایج زبان فارسی میانه است. گردآورنده فرهنگ کوشیده است تا واژه‌های مشکوک را به کنار نهد و در مورد شیوه آوانویسی نیز توجه او بیشتر به صورت ملفوظ واژه‌ها در سده سوم میلادی، یعنی دوره شکوفایی شاهنشاهی ساسانی، بوده است. این کتاب پژوهشگر را از مراجعه به فرهنگ‌های دیگر بی‌نیاز نمی‌کند، بلکه بیشتر نیاز دانشجوی این رشته را برآورده می‌سازد. بدیهی است که

* D. N. Mackenzie. 1971. *A Concise Pahlavi Dictionary*. London: Oxford University Press.

فرهنگ کوچک زبان پهلوی

شیوهٔ آوانویسی آن نیز ناهمواری‌هایی دارد و ترجمهٔ آن بدین معنی نیست که نگارنده با تمام آنچه در آن آمده موافق است. در زمینهٔ آوانویسی پهلوی سخن آخر گفته نشده و حقیقت، چنان‌که باید، روشن نشده است. تا تدوین یک شیوهٔ دقیق و همگانی، پژوهشگر ناگزیر است همهٔ شیوه‌ها را ببیند و از میان آنها، آنچه را دقیق‌تر می‌یابد، برگزیند.

مؤلف در چاپ دوم این فرهنگ (۱۹۸۶) تغییراتی داده که، به صورت پیوستی، ضمیمهٔ کتاب منتشر شده است. در ترجمه، این پیوست به متن اصلی انتقال یافته است تا کار مراجعه‌کننده به فرهنگ آسان‌تر باشد.

از آقای مکنزی که اجازهٔ ترجمهٔ کتاب را دادند و ترجمهٔ بخشی از حرف «آ» را دیدند و نیز همکاران انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، که در کار چاپ کتاب بسیار کوشیدند، سپاسگزار است.

مهشید میرفخرایی

پیشگفتار

نیاز به یک فرهنگ کوچک پهلوی - انگلیسی (اینجا پهلوی - فارسی)، به ویژه برای دانشجویان مشتاق این زبان، از سالیان پیش آشکار بوده است. انتظار برای انتشار واژه‌نامه کتاب *A Manual of Pahlavi* اثر پروفیسور نیبرگ - گرچه شیوه قدیمی آوانویسی به کار رفته در این کتاب دیگر پذیرش جهانی ندارد - پنج سال پس از انتشار بخش نخست، هنوز ادامه دارد.^۱ امروزه با در دسترس بودن بخشی از مواد کار، هر دانشجوی کوشای زبان پهلوی باید، همچون گذشته، برای خود فرهنگی گردآوری کند؛ کاری که انجام دادن آن با زبان پهلوی دشوار است و، به سبب تنوع روش‌های آوانویسی انتشار یافته، دشوارتر نیز شده است. فرهنگ حاضر، که به نظر همگان شیوه آوانویسی متفاوت با دیگران عرضه می‌کند، در نظر دارد در وهله نخست، بیگانه با زبان پهلوی را برای فراگیری آنچه امروزه بدون نقشه یکسان پهنه‌ای وسیع را در نور دیده، یعنی چهار هزار واژه ساده از معمولی‌ترین واژه‌های پهلوی، کمک کند و سپس بر ارزش عملی این شیوه آوانویسی دوره ساسانی برای ادامه راهش تأکید بگذارد. وارد کردن آگاهی‌های ریشه شناختی و ارجاع به متن‌های مربوط، افزون بر اینکه سبب تعویق بسیار در ارائه فرهنگ می‌شد، هدف کار را نیز تغییر می‌داد و فرهنگ را از یک راهنما به یک اطلس جغرافیایی - تاریخی تبدیل می‌کرد. چنین فرهنگ کامل پهلوی در هیچ جا دیده نمی‌شود

۱. این واژه‌نامه در سال ۱۹۷۴ انتشار یافت.

فرهنگ کوچک زبان پهلوی

و تا زمانی که متن‌های زیادی بررسی و خوانده نشود، باید بر همین شیوه باقی ماند. از دوستم دکتر ژینیو (پاریس) برای نظرهای مشورتی‌اش درباره آنچه در این فرهنگ آمده است بسیار سپاسگزارم، چه در غیر این صورت بسیاری از واژه‌ها از چشم من پنهان می‌ماند. همسرم با تهیه فهرست انگلیسی بخش بزرگی از کار را به عهده گرفت که جای سپاس فراوان دارد. دینی که من نسبت به روانشاد پروفیسور هنینگ برای آموزش زبان پهلوی و آنچه مربوط به ایران است دارم، در کلام نمی‌گنجد.

در اینجا از حمایت مالی مدرسه زبان‌های شرقی و افریقایی و همچنین از مهارت چاپگران برای انتشار این فرهنگ سپاسگزارم.

د. ن. مکنزی

اکتبر ۱۹۶۹

مقدمه

هر فهرست منتشر شده‌ای از واژه‌های پهلوی تقریباً تعدادی واژه دارد که چگونگی آنها مبهم است و این ابهام هم در صورت هم در معنی و یا، حتی گاه، در وجود خود آنها نهفته است. هدف این فرهنگ آن است که گزیده‌ای از واژه‌های پهلوی را، که در آن چنین واژه‌های مبهمی به حداقل کاهش یافته و مشخص نیز شده باشد، در اختیار دانشجو قرار دهد. تفاوت فرهنگ موجود با فرهنگ‌های پیشین خود در این است که واژگان پهلوی با واج‌نویسی‌ای داده شده‌اند که، تا آنجا که از شواهد استنباط می‌شود، نشانگر چگونگی تلفظ آنها در سده سوم میلادی، یعنی دوران شکوفایی شاهنشاهی ساسانی است. دلایل رهاکردن روش قدیمی آوانویسی را در جای دیگری آورده‌ام^۱. یکی از دلایل عمده گزینش روش جدید، عملی بودن آن است، چه تأییدکننده‌ترین شواهد به این دوران مربوط است.

برای کاستن از شمار واژه‌های مبهم، لازم بود که بر واژه‌های ساده‌تر متن‌هایی از نوع کارنامه اردشیر بابکان، دادستان مینوی خرد، ارداویرازنامه، بندهش و متن‌های پهلوی، ویراسته جاماسب آسانا، تکیه کرد. از برگردان‌های پهلوی متن‌های اوستا (وندیداد، یسنا و ویسپرد) نیز استفاده شده است، اما بسیاری از واژه‌های تخصصی آنها حذف شده‌اند.

1. D. N. Mackenzie. 1967. "Notes on the Transcription of Pahlavi", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, xxx, pt. 1, 17-29.

بسیاری از واژه‌ها، که برای مقاصد و در موارد خاصی به کار می‌روند، و ترکیب‌های ویژه متن‌های دینی، مانند دینکرد، نیز در این فرهنگ دیده نمی‌شود؛ چه تجزیه و تحلیل این قبیل ترکیب‌های پهلوی و دادن عناصر تشکیل‌دهنده آنها، مشروط بر آنکه قواعد ساختاری آنها روشن باشد، کار ساده‌ای است. واژه‌های تفسیرپذیر که صورت یا معنی آنها مبهم است با «*» مشخص شده‌اند.

این فرهنگ، ماهیتاً، نه مدعی در برداشتن تمامی واژه‌های هر متن خاص است، و نه قصد گشودن راه‌های تازه برای حل دشواری‌های موجود در متن‌های پهلوی را دارد. قرائت‌های پژوهشگران بسیاری، منطقاً، گلچین شده است و بدین وسیله از تمامی آثانی که یافته‌هایشان با این فرهنگ همگون شده است، سپاسگزاری می‌شود. با این همه، باید مسئولیت تمامی گزینش‌ها، قرائت‌ها و تفسیرهایی را که در جای دیگری نیامده یا منتشر نشده است، خود بپذیرم.

حرف‌نویسی

خط کتاب‌های پهلوی، در نهایت، از خط آرامی شاهنشاهی گرفته شده و در طول زمان، به هر صورت، ابهام‌ها و پیچیدگی‌های قابل توجهی در آن راه یافته است. جدول شماره ۱ روند تحول و تکامل این خط را از آرامی شاهنشاهی (با حرف‌نویسی و نام حروف که توسط سامی‌شناسان به کار می‌رود)، به صورت‌های خاص به کار رفته در کتیبه‌های پارتی و فارسی سده سوم میلادی و صورت‌های کهن دستنویس‌های قطعات زیور (حدود سده هفتم)^۱، تا خط کتاب‌های پهلوی زردشتی نشان می‌دهد. افزون بر ارزش آوایی متعدد حروف مذکور، ممکن است بعضی از آنها در بافت‌های خاص نشانگر ترکیب چند حرف باشند، مثلاً حرف *و* یا *م* مرکب از *و* و *م*.

1. F. C. Andreas. 1933. *Buchstücke einer Pehlevi-übersetzung der Psalmen*. Aus dem Nachlass herausgegeben von Kaj Barr. *Sitzungsberichte der Preussischen Akademie der Wissenschaften*. Berlin. i. 91-152. 11 Plates.

جدول شماره ۱

یهلوی		کتیبه‌ها		آرامی شاهنشاهی
کتابی	زبور	فارسی	پارتی	
א	א	א	א	'*(ālep)
ב	ב	ב	𐭀	b (bēt)
ג	ג	ג	𐭁	g (gimel)
ד	ד	ד	𐭂	d (dālet)
ה	ה	ה	𐭃	h (hēt)
ו	ו	ו	𐭄	w (wāw)
ז	ז	ז	𐭅	z (zayin)
ח	ח	ח	𐭆	ḥ (ḥēt)
ט	ט	ט	𐭇	ṭ (ṭēt)
י	י	י	𐭈	y (yōd)
כ	כ	כ	𐭉	k (kap)
ל	ל	ל	𐭊	l (lāmed)
מ	מ	מ	𐭋	m (mēm)
נ	נ	נ	𐭌	n (nūn)
ס	ס	ס	𐭍	s (sāmek)
ע	ע	ע	𐭎	' (cayin)
פ	פ	פ	𐭏	p (pē)
צ	צ	צ	𐭐	ṣ (ṣādē)
ק	ק	ק	𐭑	q (qōp)
ר	ר	ר	𐭒	r (rēs)
ש	ש	ש	𐭓	ś/š (ś/šīn)
ת	ת	ת	𐭔	t (tāw)

* خط در بالا و زیر حروف در آوانویسی زبان سامی نشانگر تلفظ سایشی آن حروف است، مثلاً bēth, āleph و....

حرف نویسی دقیق یک حرف با یک حرف لاتین، به سبب پیچیدگی‌ها و ابهام‌های این خط، عملی نیست. این گونه موارد نیازمند تفسیر است. این تفسیر می‌تواند، مستقیماً یا به یاری قیاس، برپایه شواهد نسبتاً روشن‌تر متن‌های پیش‌گفته زبان باشد. به یاری این شواهد، تشخیص ارزش‌های آوایی اصلی $dy, h, ^2$ و ... برای حرف $د$ و ارزش‌های آوایی اصلی w, r, n برای حرف $ا$ و دیگر حروف ممکن می‌شود. اما نه لازم و نه پسندیده است که از این فراتر رویم و بکوشیم ارزش آوایی دقیق‌تری به این حروف بدهیم و مثلاً r را به جای $ا$ و یا x را به جای h خطی به کار ببریم. برای مثال، hwl معرف واژه $xwar$ = خورشید است، اما حرف نویسی آن به صورت $*xwr$ هم باعث اشتباه آن با حرف واقعی، یعنی $ا$ ، می‌شود و هم دشواری‌ها و سردرگمی‌های بیشتری را در تفسیر حرف $د$ به دنبال خواهد داشت. بهتر است بپذیریم که نویسندگان r و $ا$ را تقریباً بدون تشخیص ارزش آوایی این دو، و نیز حرف h را برای x و $ا$ ایرانی، به کار می‌بردند و بنابراین باید آنها را به همین صورت حرف نویسی کرد.

برای تشخیص هزوارش‌های پهلوی (اندیشه نگارهای سامی) از واژه‌های ایرانی، آنها را، به روش معمول، با حروف بزرگ حرف نویسی می‌کنند. بنابراین کلمه $راشدا$ وقتی معرف $rahig$ = بچه باشد $lhyk$ و زمانی که نشانگر هزوارش $dür$ = دور باشد $LHYK$ حرف نویسی می‌شود. به هر صورت چون هزوارش‌ها اغلب صورت بسیار تحریف شده و تغییر شکل یافته‌ی واژه‌های آرامی هستند، کافی است که برای مقاصد عملی آنها را در چهارچوب یک نظام ساده حرف نویسی کرد.

روشی که برای حرف نویسی واژه‌های این کتاب، از هزوارش‌ها تا واژه‌های ایرانی، به کار رفته است، تا آنجا که امکان داشته، برای دوری جستن از به‌کارگیری نشانه‌های زیر و زبری و نیز به‌منظور انطباق این نظام با روشی بوده است که هم اینک، به‌طور قرار دادی، برای ارائه خط فارسی میانه ترفاتی و پارتی به کار می‌رود. در همه جا، به هر حرفی ارزش (های) آوایی اصل ایرانی آن حرف داده شده است. بنابراین c و C به جای s و h و H به جای h آرامی است. A معرف حرف 2 (الف) است. تنها سه حرف در هزوارش‌های پهلوی به کار می‌رود: Q (در واژه $abar = QDM$ ؛ در غیر این صورت K جایگزین آن می‌شود)، E و O . حرف E به جای $hē$ آرامی (زمانی که $hēt$ به جای آن نیامده باشد) و O به جای $ē$ (عین) آرامی است. منشأ حروف رومی نیز، به ترتیب، از این حروف آرامی

است. بنابراین (=ōy) OLE شکل تحریف شده^۹ h اصلی آرامی و (=drun-*) HCDLWN نشانگر شکل تحریف شده ریشه آرامی ḥsd است. سره‌نویسان، به یاری نشانه‌های زیر و زبری، در بازسازی این صورت‌ها دشواری نخواهند داشت.

حروف پهلوی غالباً، به شکل کج و نامنظم، به طریقی به یکدیگر می‌پیوندند که با دیگر حروف مشتبه و بدین ترتیب موجب پیچیدگی‌های بیشتری در خط می‌شوند. در این کتاب، معمولی‌ترین این کژدیس‌ها با خطی در بالا یا زیرِ حرفی که معرف ارزش آوایی حرف پهلوی است، مشخص گردیده‌اند. بنابراین:

و (g...) جایی که نشانگر آوای ل b است، b حرف نویسی می‌شود.

ک (z) جایی که نشانگر آوای و y است، y حرف نویسی می‌شود.

س (c) جایی که نشانگر آوای س p است، p حرف نویسی می‌شود.

گرده‌کامل حرف نویسی پهلوی در جدول شماره ۲ آمده است. ترتیب حروف همان ترتیب حروف الفبای آرامی است و نخستین ارزش آوایی هر حرف در نظر گرفته شده است.

جدول شماره ۲

هزارش (اندیشه نگار) حرف نویسی حروف ایرانی شکل تحریف شده

(1)	,		{	A
	h	د	{	H
<u>g, d, y</u> (2)	b	ل		B
<u>B, Z, K</u> (3)	g }	د	{	G
<u>b, z, k</u>	d }			D
	y }			Y
	(mn, etc.)	و		E
	w	ا	{	W
	n			N
	-			O
	r			R
	(4)			I
<u>G, D, Y</u>	z	س		Z
	k	د		K
	y)	(م		K
	l	(ن		L
	f)	(ر		L
	m		{	M
	-	و		Q
	s	و		S
<u>P, p</u>	p	و		P
	c	و		C
	s	و		S
<u>DR</u> (5)	t	و		T

یادداشت‌های جدول

۱. h^2 و... ممکن است تحریف شده ydy پایانی باشد، پس ydy حرف نویسی می‌شود.
۲. $y\bar{y}$ و... ممکن است تحریف شده h باشد، پس h حرف نویسی می‌شود.
۳. نشانه دو حرفی yy و yy ، وقتی به دنبال صورت هزوارشی فعلی بیایند، ممکن است معرف هرگونه شناسهٔ آوایی (حتی صفر) باشند. این نشانه‌های دو حرفی را می‌توان، صرفاً با قیاس منطقی، با حروف همانند خودشان حرف نویسی کرد: yy را با yt و yy را با ty .
۴. یعنی خط زاید.
۵. yt و... ممکن است صورت تحریف شده sh : sh باشد، پس sh - و sh (به دنبال حرف دیگر) ممکن است به جای sh باشد، پس sh حرف نویسی می‌شود.

آوانویسی

اصول املائی، که ظاهراً با دگرگونی‌های اتفاقی در املائی پهلوی اعمال شده‌اند، افزون بر هزوارش‌ها، در برگیرنده اصول آوایی (در چهارچوب الفبا)، املائی تاریخی و شبه تاریخی و دشواری‌های دیگر است؛ و قواعد حاکم بر این اصول به اندازه‌ای نامشخص است که به ندرت در خور ذکرند. پی بردن به املائی اصلی واژه، گاهی تلفظ آن را روشن می‌کند. برای تعیین تلفظ هر واژه، لازم است تمام شواهد تطبیقی موجود بررسی شوند. با کشف متن‌های ایرانی که به خط تقریباً آوایی مانوی نوشته شده، پایه‌ریزی یک نظام واجی فرضی برای متن‌های فارسی میانه و پارتی سده سوم میلادی ممکن گشت، نظامی که از نظام‌های پیشین خود، که تنها بر شواهد دورتر زبان‌های ایرانی کهن، فارسی نو و وام واژه‌های دیگر زبان‌ها (به‌ویژه ارمنی) متکی بود، دقیق‌تر است. این نظام واجی در مقاله‌ای که پیش‌تر بدان اشاره شد، توصیف شده است. تمام واژه‌های این فرهنگ نیز مطابق همین نظام آوانویسی شده‌اند. این نظام در برگیرنده واج‌های زیر است:

واکه‌ها

ī	ē	ā	ō	ū
i	(e) ¹	a	(o) ¹	u

همخوان‌ها

p	t	č	k
b	d	ǰ	g
f	s	š	x h
	z	ž ²	y ²
m	n		
w	r l	y	

۱. پایگاه واجی c و o مورد تردید است و تنها زمانی مشخص می‌شود که شواهد

۲. فقط در واژه‌های غیر فارسی، یعنی در واژه‌های عالمانه یا وام واژه‌ها. می‌توان تصور کرد که فراگیری این واج‌ها همانند ادای آواهای قرینه این واج‌ها در زبانوری ایرانی غربی کنونی بوده است. تنها تغییر واج گونه‌ای مهم به بندشی‌های واکه‌بر $g, (d?), b$ و بندشی -سایشی \tilde{d} مربوط است. هنگامی که این واج‌ها بین یک واکه و همخوان بعدی در یک تکواژ یا درنگ بسته قرار می‌گیرند، به ترتیب به قرینه‌های سایشی خود $[\beta, (\delta), \gamma, \tilde{z}]$ تبدیل می‌شوند. بنابراین واژه‌های $abd, tigr, du\tilde{d}\tilde{e}n$ نشانگر صورت تلفظی $[* a\beta d, ti\gamma r, du\tilde{z}d\tilde{e}n]$ هستند. اینکه این تحول در چه زمانی بر این واج‌ها، هنگامی که در جایگاه پس واکه‌ای قرار می‌گیرند، تأثیر گذاشته است، روشن نیست. کافی است که واج‌های $[\beta, \delta, \gamma, \tilde{z}]$ را به عنوان تظاهر آوایی ممکن پس واکه‌های b, d, g, \tilde{d} در نظر داشت^۱.

روش استفاده از فرهنگ

برای یافتن یک واژه ناشناخته یا واژه شناخته، اما با آوانویسی دیگری، لازم است که نخست آن را در بخش واژه‌های پهلوی یافت. فهرست انگلیسی-پهلوی (اینجا فارسی-پهلوی) فقط به منظور به یادسپاری و یافتن مترادف‌ها و... بوده است و به هیچ رو یک واژه‌نامه انگلیسی-پهلوی (اینجا فارسی-پهلوی) به شمار نمی‌آید.

سرواژه‌ها، به جز دو مورد، در سراسر فرهنگ به ترتیب زیر مرتب شده‌اند.
 $\check{a}, b, \check{c}, d, \check{e}, f, g(\gamma), h, \check{i}, \check{j}, k, l, m, n, \check{o}, p, r, s, \check{s}, t, \check{u}, w, x, y, z(\check{z})$.

دو مورد استثنا عبارت‌اند از:

- (۱) اسم‌های معنی با پسوند $(-yh)$ $-ih$ ، که بلافاصله به دنبال واژه‌هایی می‌آیند که از آنها مشتق شده‌اند، مثلاً $st\ddot{u}r\ddot{i}h$ پس از $st\ddot{u}r$ و پیش از $sturg$ ؛
- (۲) اسم‌های مصدر، که از ستاک‌های حال با افزودن پسوند $[\check{s}n' -i\check{s}n]$ ساخته شده‌اند و صورت‌های اشتقاقی آنها با پسوندهای $[\check{s}nyk' -i\check{s}n\ddot{i}h]$ ، $[\check{s}nyh -i\check{s}n\ddot{i}h]$ ، همه به دنبال فعلی آمده‌اند که از آن مشتق شده‌اند.

۱. $[\gamma]$ گونه واجی g فارسی است، در حالی که، در آوانویسی، یک واج غیر ایرانی است. زبان پارسی نیز دارای واج \check{z} است که جانشین \tilde{d} فارسی می‌شود.

افعال به شکل مصدر نقل شده‌اند و ستاک حال را به دنبال دارند، مگر مواردی که این دو صورت دیده نشده باشد. در موارد ضروری ارجاع‌هایی برای انطباق این صورت‌ها داده شده است. در این فرهنگ همه صورت‌های اشتقاقی یک فعل نیامده است، گرچه این مشتقات، بنابر قاعده، از بخش‌های اصلی یک فعل قابل استنتاج باشند؛ مثلاً، اسم‌های فاعل با پسوند [t̄] -dār/-tār، و صفت‌های مفعولی با پسوند [-tk] -dag/-tag، مانند پسوند [tn] -tan/-dan در مصدرها؛ اسم‌های معنی با پسوند -tīh که با این نوع اسم و صفت ساخته می‌شوند (مانند dārītīh و tagītīh)؛ اسم‌های فاعل با پسوند [k̄] -āg که از ستاک حال ساخته می‌شوند.

سرواژه‌ها

سرواژه‌های پهلوی همواره با حروف برجسته داده شده‌اند. سرواژه‌های اندکی که با حروف ایتالیک آمده‌اند، برای ارجاع به گونه دیگر آوانویسی آن واژه‌ها بوده است. P پیش از سرواژه‌های اصلی نشان می‌دهد که واژه تنها در متن‌های با اصل پارسی، مثلاً یادگار زریان و درخت آسوریگ، آمده است. * نشان می‌دهد که آوانویسی یا قرائت واژه تأیید نشده و مبهم باقی مانده است. آگاهی‌های زیر درون دو قلاب [] آمده است.

(۱) حرف‌نویسی خط پهلوی. در مورد هزوارش‌ها، حرف‌نویسی بلافاصله پس از ارائه صورت اصلی آرامی کلمه، که با نشانه A مشخص گردیده، آمده است. در مورد افعال، به سبب دادن ریشه آرامی فعل، این روش گاه با دقت کمتری اعمال شده است. زمانی که املاي پهلوي ستاک حال یک فعل با بخشی از مصدر یکی می‌شود، هر اندازه در آوانویسی با یکدیگر اختلاف داشته باشند، حرف‌نویسی به شکل اختصار و با استفاده از خط فاصله داده می‌شود. مثلاً صورت škwptn' نشان دهنده مصدر škwptn' (=škuftan) و ستاک حال (=škōf-) škwptn' و صورت YMYTWN-tn' نشانگر مصدر YMYTWNtn' (=murdan) و ستاک حال (=mīr-) YMYTWN- است.

(۲) شواهد تأییدکننده آوانویسی. صورت پهلوي واژه‌های عالمانه گرفته شده از